



## تأثیر قطعی اعمال بر نحوست و سعادت / معناهای مختلف تجسم عمل

آیت الله مظاهری درباره سعد و نحس اعمال گفت: اعمال انسان اگر زشت و ناپسند باشد، به همراه خود نحوست دارد و اگر خوب و نیکو باشد، میمنت و مبارکی به همراه خواهد داشت. این بحث از نظر آیات و روایات بسیار ارزنده است.

پای درس اخلاق آیت الله مظاهری؛

تأثیر قطعی اعمال بر نحوست و سعادت / معناهای مختلف تجسم عمل

آیت الله مظاهری درباره سعد و نحس اعمال گفت: اعمال انسان اگر زشت و ناپسند باشد، به همراه خود نحوست دارد و اگر خوب و نیکو باشد، میمنت و مبارکی به همراه خواهد داشت. این بحث از نظر آیات و روایات بسیار ارزنده است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری مطالب در پیرامون سعد و نحس ایام و اعمال بیان کرده اند که در پی می آید: در جلسه گذشته، راجع به سعد و نحس بعضی ماهها و روزها و ساعات، مطالبی بیان شد و گفتم روایاتی درباره سعد و نحس وجود دارد که نمی توان از آنها صرف نظر کرد.

همچنین بیان شد که اگر نحوستی نیز در برخی اوقات وجود داشته باشد، با اعمالی نظیر قرآن خواندن، صدقه دادن و توکل جدی بر خداوند متعال، می توان نحوست آن را رفع کرد.

## تأثیر قطعی اعمال بر نحوست و سعادت

بحث به اینجا رسید که به جای سعد و نحس ایام، باید در خصوص سعادت و نحوست ناشی از اعمال انسان صحبت شود؛ اعمال انسان اگر زشت و ناپسند باشد، به همراه خود نحوست دارد و اگر خوب و نیکو باشد، میمنت و مبارکی به همراه خواهد داشت. این بحث از نظر آیات و روایات بسیار ارزنده است. مثلاً قرآن کریم می فرماید: انسان بی نماز، زندگی ناراحت کننده ای دارد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» [1]. همچنین می فرماید: افراد متقی، زندگی بانشاط و آرامی خواهند داشت: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» [2].

قرآن کریم در سوره انعام، ابتدا در مقام پرسش می فرماید: «فَأَيُّ الْقَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» [3]، چه کسی استحقاق یک زندگی منهای غم و غصه و منهای دلهره و اضطراب خاطر را دارد؟

سپس خود پاسخ می دهد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» [4]

یعنی آنکه مؤمن و متقی است و گناه در زندگی ندارد، لایق برخورداری از امنیت خاطر و هدایت است.

قطع نظر از اینکه قرآن جواب سؤال را می دهد، تأکید می کند و می فرماید: «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ»، سپس دوباره تأکید می کند و می فرماید: «وَهُمْ يُهْتَدُونَ».

شاید بتوان بیش از صد آیه با مضمون سعد و نحس اعمال، در قرآن کریم یافت.

## تجسم عمل

به مناسبت بیان این مبحث، لازم است اشاره ای به «تجسم عمل» بشود. تجسم عمل در قرآن کریم به سه گونه تصویر شده است که یک نوع آن مربوط به دنیاست و شکل دیگر آن مربوط به آخرت و نوع سوم آن، هم در دنیا و هم در آخرت وجود خواهد داشت.

## معنای اول تجسم عمل

یک معنا از تجسم عمل آن است که هر کاری انجام می دهیم، چه خوب و چه بد، ولو در ظاهر نبینیم، اما در همین دنیا مجسم می شود که مردم به آن «مکافات عمل» می گویند. این معنای از تجسم عمل، همان سعد و نحس دنیوی اعمال است. کارهای نیک آدمی موجب پیدایش حیات طیبه یعنی زندگی سالم و با ارزش و سعد می شود و کارهای بد او موجب حیات همراه با خبثت یعنی زندگی ناسالم و بی ارزش و به تعبیر دیگر، زندگی نحس می شود. در حقیقت در بیان معنای سعد و نحس، باید

گفته شود: اعمال بد انسان، نحس است و اعمال نیکو، سعادت و خوشبختی به همراه دارد.

شرح این معنا از تجسم عمل، در جلسه گذشته با عنوان «مکافات عمل» بیان شد.

## معنای دوم تجسم عمل

معنای دوم تجسم عمل آن است که هرچه انجام می‌دهیم، از بین نمی‌رود و در قیامت بروز و ظهور آن را می‌بینیم. اعمال خوب، هویدا و بارز می‌شوند و اعمال بد نیز ظاهر و حاضر می‌شوند:

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ تَقْسَهُ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» [5]

هرچه در پرونده اعمال انسان باشد، چه خوب و چه بد، ولو ذره‌ای باشد، به عنوان مونس در قیامت همراه انسان است. خداوند سبحان با رأفت و مهربانی خود، برای این روز مهم، زنگ خطر می‌زند و زودتر از قیامت، به انسان‌ها متذکر می‌شود که مواظب اعمال خود باشید، زیرا آن اعمال در قیامت در کنار شما و با شما هستند. اعمال بد اطراف انسان را می‌گیرند و این صحنه به اندازه‌ای برای انسان شرم‌آور و موجب خجالت است که مرتب می‌گوید: ای کاش بین من و اعمالم فاصله بود. از آیه شریفه معلوم می‌شود که در قیامت، خجالت از ظهور اعمال، بیش از خجالت از جهتم و سوزندگی آن است.

آیه دیگری که نظیر آن در قرآن کریم فراوان است، می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» [6]. بعضی از مفسرین در ذیل این آیه گفته‌اند: انسان در قیامت، جزای عمل را می‌بیند، اما این‌طور نیست، بلکه «يَرَهُ» می‌رساند که خود عمل را می‌بیند. چنان‌که در آیه دیگری می‌فرماید: خود اعمال به آنها نشان داده می‌شود: «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ» [7]

عمل خوب، رفیق و مونس خوبی برای انسان در قبر و برزخ و قیامت است و اگر عمل بد باشد، رفیق بدی در قبر و برزخ و قیامت است:

این سخن‌های چو مار و کژدُمّت

مار و کژدُمّ گشت و می‌گیرد دُمّت

قرآن کریم هشدار می‌دهد که قیامت، روز رسوایی است و اعمال بد، به صورت وحشت‌ناکی همراه و کنار انسان هستند. بد اخلاقی و بد رفتاری در زندگی، صورت بدی پیدا می‌کند و این صورت زشت و کریه، رفیق و همراه انسان، از قبر تا قیامت است.

## ظهور و بروز اعمال در عالم قبر

پیامبر اکرم «ص» فرمودند: «أَنَّ الْقَبْرَ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ» [8]

بر این اساس، تجسم عمل آخرت از قبر انسان شروع می‌شود. یعنی اعمال هر کسی؛ چه خوب و چه بد؛ در عالم قبر، مثل یک رفیق و مونس همیشه همراه اوست و در اثر همراهی اعمال، قبر و عالم برزخ، می‌تواند برای او باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های جهنم باشد.

یکی از علمای بزرگ اصفهان که من به ایشان بسیار ارادت داشتم، مرد وارسته‌ای بود و در سیر و سلوک، به مقاماتی دست یافته بود. ایشان هنگام تدریس، با گریه شدید فرموده بود: «در خواب دیدم مرگم فرا رسیده است؛ مردن را همان طوری که برای ما توصیف شده است، در خواب یافتم؛ خویشتن را جدا از بدن می‌دیدم، و ملاحظه می‌کردم که بدن مرا به قبرستان برای دفن حمل می‌کنند. مرا به گورستان بردند و دفن کردند و رفتند. من تنها ماندم و نگران که چه بر سر من خواهد آمد؟! ناگاه سگی سفید را دیدم که وارد قبر شد. در همان حال حس کردم که این سگ، تندخویی من است که تجسم یافته و به سراغ من آمده است. مضطرب شدم. در اضطراب بودم که امام حسین «ع» تشریف آوردند و به من فرمودند: غصّه نخور، من آن را از تو جدا می‌کنم.»

آن عالم ربّانی، با آنکه بسیار متقی و در علم و عمل، سرمشق دیگران بود، تجسم تندخویی خود را به آن صورت دیده بود. اما چون نسبت به توسل به حضرت سیدالشهداء «ع» علاقه و اهتمام فراوانی داشت، آن حضرت به او کمک کرده بودند.

### بهشت و جهنم، ظهور و بروز اعمال

از نظر قرآن، بهشت و جهنم، اعمال خود انسان است. قیامت عالم حیوان است؛ همه چیز در آنجا جان و عقل و شعور دارد و حرف می‌زند. در بهشت از جانب خداوند یا ملائکه یا از خود بهشت، به بهشتیان خطاب می‌شود: نعمت‌های بهشت، از خودتان است و پیش از این، خودتان فرستاده‌اید: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ» [9]. همچنین در جهنم وقتی آتش جهنم، افراد گناهکار را می‌سوزاند و داد و فریادشان بلند می‌شود، به جهنمیان خطاب می‌شود: آتش جهنم را خود ایجاد و درست کرده‌اید: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ» [10]

بنابراین، اعمال انسان، می‌تواند برای او بهشت‌ساز یا جهنم‌آفرین باشد.

مشابه این دو آیه که راجع به تجسم عمل بیان شد، در قرآن کریم فراوان است. در روایات نیز بر آن تأکید شده و اهل معرفت از این آیات و روایات استفاده فراوانی کرده‌اند.

### سعد و نحس اعمال در قیامت

قرآن می‌فرماید: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَةِ» [11] «دست راستی‌ها، چقدر مبارک هستند». در واقع می‌توانیم آیه را چنین معنا کنیم: «افرادی که مبارکند، در اثر اعمالشان مبارک و عالی هستند».

همچنین، قرآن می‌فرماید: افراد شوم، چقدر شومند! «وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» [12]

قرآن کریم، در ادامه، علت شومی این افراد را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنْهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْجَنَّةِ الْعَظِيمِ» [13]

افراد شوم، یعنی جهنمیان، قبل از رفتن به جهنم، زیر دود و هُرم جهنم هستند و خودشان این وضعیّت را برای خود درست کرده‌اند. آنان با گناه روی گناه، با اتراف و عیاشی و سایر گناهان، این‌چنین شوم شده‌اند. گناهان، شوم و نحس بودند و انجام آن اعمال نحس، موجب ایجاد نحسی برای آن افراد شده است؛ چنان‌که سعد و سعادت نیز بر اثر اعمال خود انسان پدید آمده است.

معمولاً بزرگان مانند علامه مجلسی «ره» در بحار الأنوار، تجسم عمل را همین‌گونه معنا می‌کنند و بحث‌های مفصلی نیز روی تجسم عمل به این معنا دارند.

### معنای سوّم تجسم عمل

شکل سوّم تجسم عمل به این معنا است که اعمال انسان، تأثیر به سزایی در تکوین هویت او دارد و عمل هرکسی برای او «ملکه» می‌سازد. این هویت و شخصیت، در دنیا و آخرت همراه اوست. از نظر قرآن کریم و روایات، بلکه از نظر عقل، تناسخ در انسان‌ها وجود دارد و آن این است که اعمال او؛ خوب یا بد؛ به تدریج، شخصیت او را تغییر می‌دهد. این تناسخ، غیر از آن تناسخ باطل است و ربطی به آن ندارد؛ زیرا به قول مرحوم صدرالمتألهین «ره»، پذیرش آن تناسخ باطل، پذیرش تناسخ به معنای برگشت از فعل به قوه است و برگشت فعل به قوه محال است.

بزرگانی نظیر مرحوم صدرالمتألهین «ره»، ضمن قبول دو معنای اوّل و دوّم از تجسم عمل، بر شکل سوّم آن پافشاری دارند و این معنا از تجسم عمل را اصل می‌دانند.

بر اساس شکل سوّم تجسم عمل، عادت به گناه و انجام اعمال زشت و ناپسند، انسان را از صورت انسانی خارج می‌کند و شخصیت درونی او را به یک حیوان تبدیل می‌کند. مثلاً پیروی از هوا و هوس، شهوت‌رانی، اتراف و متوغل شدن در شهوات نفسانی، او را به صورت میمون درمی‌آورد. ظلم، جنایت، حق‌التاس و درنده‌خویی، او را مبدل به سگ می‌کند. حقه بازی و نیرنگ، او را شبیه یک حیوان مودّی و بدجنس مانند روباه می‌سازد. اگر کسی در دنیا توبه نکند و درون خود را شستشو ندهد، کم کم تناسخ باعث می‌شود به صورت یک حیوان درآید.

همچنین اعمال صالح و شایسته، هویت و شخصیت درونی انسان را به یک انسان کامل تغییر می‌دهد. بروز این شخصیت، هم در دنیا و هم در آخرت است و در بهشت، حورالعین از عشق او حیران می‌مانند. در حالی که حورالعین از نظر زیبایی بی‌نظیر هستند، اما در مقابل انسان کامل که زیبایی خاصی دارد و از نظر روحی، منهای صفات رذیله، منهای جهل و مرض و نقصان است، متحیر می‌مانند.

## تحلیل تشبیه انسان به حیوانات در قرآن کریم

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که برخی از انسان‌ها را به حیواناتی نظیر سگ [14] یا الاغ [15] تشبیه می‌کند یا بعضی از افراد را مثل حیوانات و پست‌تر از آنها می‌شمارد [16] و حتی در جایی می‌فرماید: آنها از هر جنبنده‌ای پست‌تر هستند [17]. دسته‌ای از مفسران، آن آیات شریفه را از باب تشبیه و یا از باب سرزنش شمرده‌اند، اما باید گفت: این آیات شریفه، از حقیقت شخصیت برخی انسان‌ها خبر می‌دهد و با بیان واقعیات، هویت آن افراد را تبیین می‌فرماید. بنابراین خداوند متعال نه قصد اهانت به بندگان خود را دارد، نه از این آیات قصد انشاء دارد، بلکه این‌گونه آیات اخباری است و صرفاً خبر از واقعیت می‌دهد.

یعنی اگر افکار، گفتار و کردار انسان ناشایست و بد باشد، به تناسب آن اعمال، انسان به صورت حیوانی شهوت پرست یا بوزینه ای شکم پرست یا خوک متکبر یا پلنگی ظالم یا سگی هار و خلاصه به صورتی زشت و پلید جلوه خواهد کرد. چنان‌که اعمال نیکو و شایسته، از او انسان کامل می‌سازد.

مثلاً قرآن کریم با بیان آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» [18]، خبر می‌دهد: کسی که تعقل ندارد، کسی که کور باطن و کر باطن است، در قیامت، به صورت یک جنبنده پست و مانند یک میکروب محشور می‌شود.

در آیه دیگری می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» [19]. این آیه نیز به بیان یک خبر می‌پردازد و آن اینکه عالم بی عمل در قیامت به صورت الاغی وارد صف محشر می‌شود. به بیان دیگر، آیه شریفه، علم عالم بی عمل را نظیر بار کتاب یک الاغ می‌داند که برای او هیچ فایده‌ای ندارد.

همچنین در قرآن کریم می‌خوانیم: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرَكْهُ يَلْهَثْ» [20]

آیا خداوند متعال در این آیه قصد سرزنش بندگان و ناسزاگویی به آنان را داشته است؟ در اینجا هم باید بگوییم: خداوند سبحان، ناسزا نمی‌گوید، بلکه هشدار می‌دهد و با خبر دادن از یک واقعیت می‌گوید: برخی افراد در اثر اعمال خود، به صورت یک سگ وارد محشر می‌شوند.

این اشخاص در دنیا هم هویت حیوانی دارند، اما هویت آنان مخفی است و کسانی که چشم بصیرت دارند، می‌توانند شخصیت حقیقی آنها را ببینند.

این شکل از تجسم عمل هم با سعد و نحس، رابطه مستقیم دارد؛ یعنی اعمال نیکو، هویت انسانی و سعادت دنیا و آخرت به همراه دارد. چنان‌که اعمال ناپسند، هویت و شخصیت انسان را به هویت حیوانی و نحس مبدل می‌سازد.

[1]. طه / 124

[2]. طلاق / 3 و 2

[3]. أنعام / 81

[4]. أنعام / 82

[5]. آل عمران / 30

[6]. زلزلة / 7 و 8

[7]. زلزال / 6

[8]. ارشاد القلوب، ج 1، ص 75

[9]. حاقة / 24

[10]. انفال / 51

[11]. واقعة / 8

[12]. واقعة / 9

[13]. الواقعة / 42-46

[14]. أعراف / 176

[15]. جمعه / 5

[16]. اعراف / 179

[17]. أنفال / 22

[18]. أنفال / 22

[19]. جمعه / 5

[20]. أعراف / 176